

نمایش در ایران

از بهرام بیضائی



خیمه شب بازی و سایه

رتال جامع علوم انسانی

مشخصات عمومی
خیمه شب بازی در ایران

آنطور که بنظر این نویسنده میرسد در نمایشهای خیمه‌ای دوره‌های گذشته ایران - شاید تا پیش از صفریه - بیشتر تعدد و گوناگونی و رنگارنگی عروسکها برای جلب تماشاگر مورد نظر بوده است تا عوامل دیگر، و ظاهراً عروسکها داستان خاصی را، یا قصه قهرمان نونه‌ای را تعقیب نمی کرده‌اند، ولی پس از آشنائی با نمایشهای عروسکی عثمانی و هند، در نمایشهای عامیانه از تعدد عروسکها و تزینات کاسته شد و داستانگویی بشکل جدی‌تری در خیمه شب بازی راه یافت، از سوی دیگر در جاهای مختلف ایران عروسکها و بازی‌شان تفاوت‌هایی باهم داشت، و گرچه ایرانیان هر چه را که از ملل همسایه‌شان

گرفته بودند برنگی کاملاً ایرانی دگرگونش کرده بودند، باینهمه میشود آن تفاوتها را با کمی احتیاط اینطور تشخیص داد؛ در اطراف شیراز (در جنوب) که خیمه شب بازی تنها از بازیهای هند متأثر بود بیش از همه سادگی داشت، در اطراف طهران (تقریباً مرکز) که از بازیهای مغولی هم بهره‌ی داشت نمایش عروسکی پیچیده‌تر و گسترش یافته‌تر بود، و شاید کاملترین و مجلل‌ترین نوع این نمایش در تبریز (در شمال غربی) بود که هم اساس مغولی داشت و هم امکانات بازیهای عثمانی را شناخته بود. در اطراف تبریز عروسک‌ها بزرگتر و مفاصل حرکتی کاملتر بوده است.^۱

دیگر که مشخصات اصلی خیمه شب بازی تا حدودی بجای خود باقی مانده است، گرچه تحولاتی (نه عمیق) یافته، یادرجاهائی بکلی ازمیان رفته (مثل تبریز)، و گرچه نمی‌توان مشخصات کنونی این نمایش را بر بازیهای دوره‌های پیش هم تعمیم داد، ولی باید گفت که این مشخصات خیلی هم از آنها دور نیست.

اینک برویم سر خصوصیات این بازی در دوره معاصر:

بلندی قامت عروسک‌های ایران در حدود بیست یا بیست و پنج سانتیمتر بطور متوسط (حداکثر ۴۰ س.م) است. لباسهای زن‌ها روسری و شلیته و گاهی چاقچور بر ننگهای مختلف (معمولاً نزدیک به واقعیت) و لباس مردها گاهی کلاه نمدی، پیراهن آبی یا قرمز و شلوار سیاه گشاد، و نیز لباسهای پهلوانی است. البته در نمایش‌های خیمه‌ای که خاص طبقات بالا اجرا میشود، نمایشها مجلل و مفصل و لباسها فاخر و رنگارنگ بوده است.

عروسکها از جنبه ظاهری شکل واقعی دارند و شخصیت‌های آنها هم گرچه کمی سطحی، ولی واقعی است. هر عروسک میتواند نمودار نوع خاصی از خلق و خوی مردم باشد، ولی از آنجهت که گرداننده کار سعی دارد مرتباً از برابر واقعیات عینی بگریزد داستان گسسته، و گاه حرف‌ها بی مقدمه و

۱ - در فکر این هستم که رابطه‌ای بین تحولات مینیاتور ایرانی و تحولات مشابه در نمایش عروسکی ایرانی وجود دارد. این از سنت‌های مینیاتورسازی هسایکانش اثرهایی گرفت و آن از سنت‌های نمایش عروسکی. تقارنی هم در این میان بوده است.

و دنباله میشود، و رویهمرفته بهره برداری کافی از امکانات نمایش عروسکی - درجهت باارزش آن - نمی شود و درجهت ذوق های متلون می افتد و امکان این کار را همان گسستگی داستان و حرفها میدهد. حرفها شامل مقداری بامزه گیاهی است که ربط چندانی به ماجرای اصلی بازی ندارد.

اغلب شخصیت های يك نمایش عروسکی عامیانه محدوداند، برای چگونگی کار های آنها یا نوع شخصیت ایشان قبلا توسط گرداننده چیزی نوشته نشده است، تنها برابر با سنت و قرار قبلی خود آنها را حرکت می - دهد و تماشاگر را پیش میبرد. داستان منظمی در بین نیست، و میتوان آنرا به نسبت تعداد و رغبت تماشاگران کش داد یا کوتاه کرد. در نمایش های خاص مجامع بالا - بجز تجمل - تعداد اشخاص بازی بیشتر است^۱، و اصول کار - گرچه سنجیده تر شده - اما همانست.

چند شخص مهم نمایش های عامیانه عروسکی عبارتند از: پهلوان کچل (که سخنش رفت)^۲ پهلوان پنبه ای که تنها در برابر ضعفا صاحب شجاعت مضحکی است، عروس که هم خجالتی و هم پرادعاست، مادر زن ،

۱ - در نمایش شاه سلطان سلیم (و بقول گردانندگانش : سلیم خان) سی و يك نقش مختلف وجود داشت، و بعضی از این نقشها هم دو یا سه نفری بود، از این قرار : ۱ - سلیم خان ۲ - غلام سیاه (بنام : مبارک) ۳ - جارچی باشی ۴ - سقا باشی ۵ - جارو کش (۲ نفر) ۶ - قشون سلیم خان (پیاده ۴ نفر، سواره ۴ نفر) ۷ - مهمانان سلیم خان (۴ نفر) ۸ - ادیب هند ۹ - سپهسالار اردوی سلیم خان ۱۰ - کره اسب سلیم خان ۱۱ - مهتر (۲ نفر) ۱۲ - بابا تیمور (که کره را میگیرد) ۱۳ - پهلوانان (يك عروسك بزرگ و دو تا كوچك) ۱۴ - برزو (قهرمان سلیم خان) ۱۵ - طبال ۱۶ - شیورچی ۱۷ - شاطر های جلودار سلیم خان (۴ نفر) ۱۸ - شاطر باشی (چلو درشکه سلیم خان) ۱۹ - نقارچی ها (۲ نفر) ۲۰ - رقاصان (۲ نفر) ۲۱ - فرخ خان (پسر سلیم خان که می آید به تخت می نشیند) ۲۲ - عروس ۲۳ - بنگه هنای عروس (۴ نفر) ۲۴ - شیشه باز ۲۵ - راهبه ها (که دبر خوانده میشوند - ۲ نفر) ۲۶ - زن فانوس باز ۲۷ - مرتاض هند ۲۸ - عروس مبارک ۲۹ - غولك ۳۰ - رقاصه کرد ۳۱ - چوب باز این نمایش رو به ۵۳ عروسك داشته و اجرای آن سه ساعت طول میکشیده است. یادداشت فوق را جناب آقای علی ها نیبال ریاست موزه آبادان در اختیار نویسنده

گذاشتند.

ملا، دونفر سیاه، جاروکشها، غولک، شیشه باز، وروره جادو، دبو چهار شاخ، آدم دو صورت و غیره.

در عصر حاضر برای خوش آمد مردم گاه اشیائی که رواج آنها رسم تازه است، بر اشیاء روی صحنه می افزایند. خصوصاً وسایلی که بهلوان کچل بعنوان جهبیزه برای زنش میفرستند با تغییر وسایل مرسوم تغییر پیدا می کند.

عروسکها معمولاً از چوب یا کهنه پاره های پارچه ساخته میشوند و مفاصل حرکتی آنها هم وسعت کافی نداشته است.

داستانهای خیمه شب بازی تماماً داستانهای عامیانه است، و ادبای ایران که دائماً مدارج سیر و سلوک و شهرهای عشق را طی میکرده اند هیچکدام این نمایش (و نظایر آنرا) قابل ندانسته اند که داستانی برایش طرح کنند. موسیقی این بازی معمولاً ضرب بوده است و گاهی آوازهای محلی، که هر دورا شخصی که او را «مرشد» مینامند اجرا میکرده (بجز آهنگ هائی را که عروسکها میخوانند و خواننده اصلی آنها خیمه شب باز است) .

این مرشد شخص مهمی است، چون بجز فواختن ضرب و پر کردن خلاه (که خود بخود حین تعویض عروسکها پیش می آید) نیمی از حرفهارا هم او از خود درمی آورد. حرفها بیشتر بصورت مکالمه ای است بین مرشد و عروسکها و صدای عروسکها را خود خیمه شب باز که «استاد» میخوانندش یادستیار او بیرون می آورد. صدای عروسکها عادی نیست و کسی که صدای آنها را برمی آورد سوتکی دردهان می گذارد و نفس را حین مکالمه از آن بیرون میدهد، در نتیجه صدای عروسک بسیار «زیر» بگوش میرسد. و این صدای زیر بطور کافی مفهوم نیست، بهمین دلیل برای اینکه تماشاگر گفته های او را بفهمد کم کم سنتی شده است که مرشد قبل از پاسخ گفتن به عروسک یکبار حرف او را بالحن استفهام باز گو کند، و این خود نوع بسیار جالبی است در گفتگوی صحنه ای. و در این مکالمه هاست که سعی میشود نکات دقیق اخلاقی و راه و رسم مردانگی و نیکوکاری - نه با صراحتی زننده بلکه در سطحی

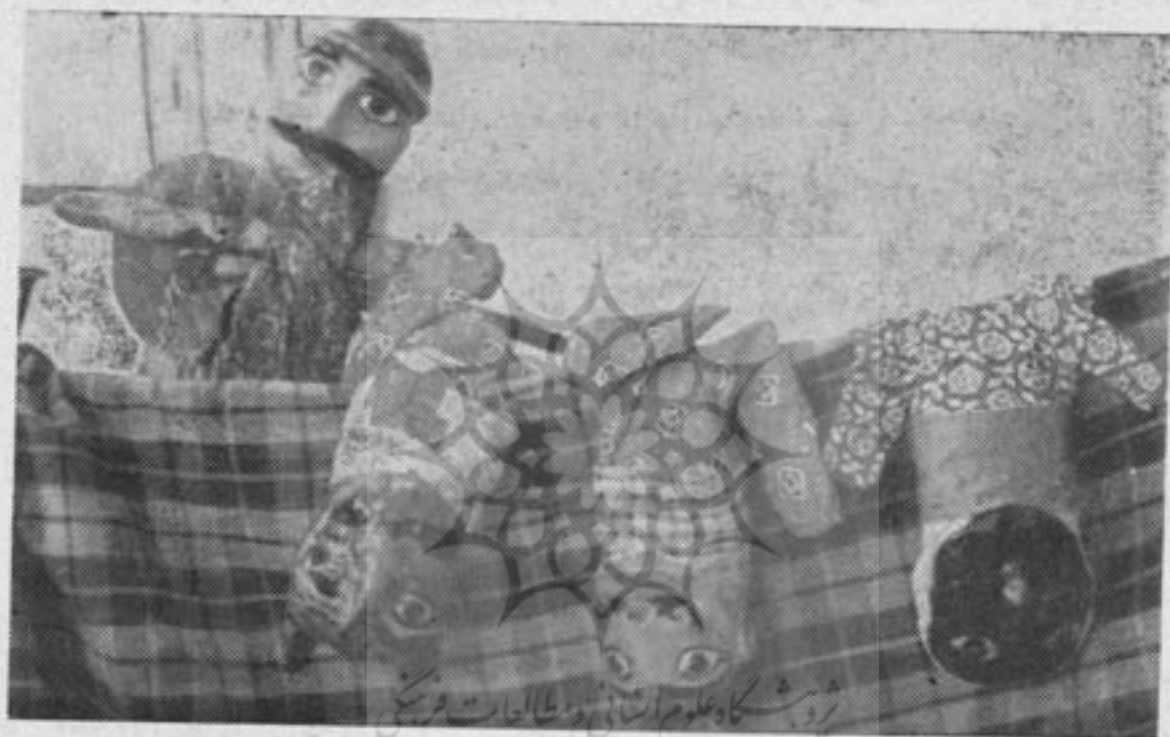
۱ - حتی زمانی در این نمایش ضمن جهبیزه جودابهای نابلون و کاپر به -

زن داده میشد.

عمیق تر و القاء کننده تر - از زبان مرشد یا پهلوان دوست داشتنی داستان یادآوری شده و نیز صفات زشت و نتایج بد آن نموده شود.

✱

اینک به پردازیم به کارهای عروسکی اداره هنرهای دراماتیک. با آنکه پنج سال از تأسیس این گروه نمایشهای عروسکی میگذرد، ولی یا بدلیل نداشتن امکانات یا بکار نگرفتن آنها، فعالیتش محدود بوده است. از سیزده برنامه‌ای که تا کنون این گروه تنظیم کرده است تنها چهار



نمایش عامیانه پهلوان کچل در شیراز
(با کمک آقای پرویز کاردان)

با پنج تایی آن میتواند مورد توجه واقع شود که در این میان خصوصاً باید بنمایش « پهلوان کچل » اشاره کرد. و اگر بگذریم از این موضوع که برنامه‌های این گروه (برخلاف طبیعت این بازی) بیشتر در معرض تماشای طبقات خاصی از مردم است نه همه مردم، میرسیم به آنجا که هنوز تکلیف نمایشهای این گروه بدرستی معلوم نشده که ایرانی است یا اروپائی^۱. زیرا که بازیهای کنونی ایشان تربیت اصیل هیچیک از این دو قطب را ندارد و در

۱ - این نظر را من از آقای کاردان گرفته‌ام.

عین حال ترکیب نامتعادلی است از ایندو. عروسکها دستی است، صدا (گفتگو، موسیقی، صدا های زمینه) را قبلاً ضبط و حین اجرا بخش می - کنند و این ترتیب موضوع مرشد و ضرب و حرفها و آواز او را منتفی می کند، صداها هم سوتکی نیست و اشخاص با صدای معمولی بجای عروسکها صحبت کرده اند. هر نمایش تقریباً بیست تا سی دقیقه طول می کشد، و بخاطر پرهیز از ظرایف و متلها، و بکار بردن اصول صحیح (و در عین حال نامطمئن) نمایشنامه نویسی و جمله پردازی، گیرندگی و عمق روانشناسی نمایشهای عامیانه و بقولی حرفه ای را ندارد.

این نویسنده فکر می کند که نمایشهای نیمه نورا باید بر اساس همان نمایشهای سنتی و اصیل کهن پایه گذاری کرد^۱، زوائد آن نمایشها را زدود و داستانها را پیراست، ممکن است برخی از حرفها را زد ولی لحن را باید حفظ کرد خصوصاً حذف مرشد حذف یکی از گویاترین شخصیت های پیوسته باین نمایش است. مرشد در عین حال مفسر و تصویر کننده روحیات و نفسانیات قهرمانان است و وجود او لازم. جز این بنظر میرسد که لازمست اداره هنرهای دراماتیک با تقویت و حمایت از دو سه دسته خیمه شب بازی حرفه ای که سوابق و اصالت و وسایل بیشتر و بهتری دارند و ترتیب دادن يك نمایشگاه کوچک و دائمی برای آنها^۲ خیمه شب بازی در حال سقوط ایران را تا حدی حفظ و حمایت کند^۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ژنرال بهمن علوم انسانی

۱ - والبته اول باید آنها را شناخت.

۲ - که مسلماً در آمدی هم خواهد داشت.

۳ - اینك خیمه شب بازی ایران دوران مرگ معصومانه ای را میگذراند، و اگر يك تحول نگاه مردم را بسوی او برنگرداند، یادستی با گرمی دستش را نگیرد، امروز و فرداست که تمام کند.

ذیل

فانوس خیال
میخواهیم بدانیم فانوس خیال که آنرا معمولا در برابر Lanterne Magique اروپائی قرار داده-

اند چه بوده است.

خود فانوس عبارتست از آنچه محیط برشمع یا چراغدان قرار داشته و برای ممانعت از خاموش شدن شعله توسط باد بکار میرفته است. این حفاظ معمولا از پارچه نازک و محکمی و بیشتر از پارچه ای بنام «شار» ساخته می- شده است. ممکنست که این پارچه دارای صوری بوده است، که چون نور از آن می گذشته، سایه این صور را منعکس میکرده است.

خیام این افزار را در شعری تعریف کرده است:

این چرخ و فلک که ما در او حیرانیم

فانوس خیال از او مثالی دانیم

خورشید چراغدان و عالم فانوس

ما چون صوریم کاندرو حیرانیم

در این شعر خیام خورشید را به منبع روشنائی فانوس خیال تشبیه می- کند و آنرا مرکز عالم میشمرد، زمین و سایر اجزاء فلکی را فانوس و جدار اطراف چراغ می شمرد، خود و دیگر مردم واقع در عالم را مانند صور فانوس می داند که بدور چراغدان میگردند، و گردش آنها سرگردانی و حیرت است.

دیگران فانوس خیال را اینطور تشریح کرده اند:

فرهنگ رشیدی: فانوسی که درو صورتها کشند و آن صورتها بزور

دود فتیله بگردد.

برهان قاطع: فانوسی باشد که در آن صورتها کشند و آن صورتها

بهبوی آتش چراغ بگردش درآید..

برهان جامع: معروفست، و فانوس خیال و فانوس گردون فانوسی

که در آن صورتها باشد و بهبوی آتش چراغ بگردش درآید.

۱ - رجوع شود به برهان قاطع - ذیل کلمه: شار.

غیاث اللغات : فانوس خیال و فانوس خیالی فانوسی باشد که اندرون آن کرد شمع یا کرد چراغ بر چیزی حلقه تصاویر از کاغذ تراشیده وصل کنند و آنچه را بگردش آرند، عکس تصاویر از بیرون فانوس بایک گونه لطف مینماید.

فرهنگ آندراج : فانوس خیال و فانوس خیالی فانوسی باشد که اندرون آن کرد شمع یا کرد چراغ هر^۱ چیزی یعنی^۲ حلقه تصاویر از کاغذ تراشیده وصل کنند و آن چیز را بگردش آرند، عکس تصاویر از بیرون فانوس بایک گونه لطف مینماید و آن صورتها بزور فتیله بگردند. و آنرا فانوس گردان هم گویند.

میرزا صائب :

بر تن باد صبا پیرهنش ، یوسف مصر

از تب رشك تو فانوس خیالی شده است

ملاعلی رضای تجلی :

فلك را آه گرم عشقبازان مضطرب دارد

چو فانوس خیال این آسیا ازدود میگردد

مسیح کاشی :

بهر محفل که شمع قامت او جلوه گر گردد

چو فانوس خیال آن خانه اش بر گرد سر گردد

وله^۳ :

شمع فانوس خیال آسمان پیدا است کیست

شعله چو اله این دودمان پیدا است کیست

ملاطاهر غنی :

شهباز پس برده در اظهار جمالند

خوبان همه چون صورت فانوس خیالند

۱ - باید «بر» باشد.

۲ - باید «بعضی» باشد.

۳ - این شعر در دیوان صائب من ۲۷۳ هم آمده است.

اشرف :

همچو رقاصی ز صورتهای فانوس خیال

انتعاش مردم دنیا بهم پیوسته است

ازمقایسه مدارك بالا نتایج زیر بدست می آید:

- آنرا فانوس خیال، فانوس خیالی، فانوس گردون، فانوس گردان

می خوانده اند.

- فانوس در آن میگردیده است (اتفاق آراء)

- فانوس را بگردش درمی آورده اند (غیاث)

- فانوس بزور فتیله میگردیده است (آندراج)

- فانوس بزور دود فتیله میگردیده است (فرهنگ رشیدی - شعر

علیرضا تجلی)

- فانوس بزور شعله چراغ میگردیده است (برهان قاطع ، برهان

جامع)

- تصاویری در آن بوده است (اتفاق آراء)

- تصاویر را بر خود فانوس نقش میکرده اند (فرهنگ رشیدی ،

برهان قاطع)

تصاویر را از کاغذ درمی آوردند و به فانوس وصل میکردند (غیاث ،

آندراج)

- بر نوعی از این فانوس ها تصاویر بهم پیوسته ای از رقاصان رسم

شده بوده است (شعر اشرف)

- عکس تصاویر بایک گونه لطف از بیرون دیده میشده است (غیاث ،

آندراج)

و معلوم میشود که حین گردش فانوس تصاویر آن از بیرون درحال

حرکت دیده میشده است ، و بعید هم نیست که این تصویر بروی پرده یا

دیواری منعکس میشده باشد. بهر حال می بینم که این ابزار مربوط به نمایش

سایه در زمان خیام در ایران بوده یا لا اقل شناخته شده بوده است.

در حدود یکصد سال پیش « ادوار فیتزجرالد - Fitzgerald » که

فانوس خیال را در هندوستان دیده بود طی یادداشتی آنرا شرح داد ، و

توصیف او^۱ منطبق است با آنچه در فوق گفته شد، وامکان دارد که هنوز بشود نمونه‌ای از آنرا در هندوستان یافت.

واژه نامه

بازی خیال : يك نمايش خيمه‌ای، بازی سایه (رجوع به خیال‌بازی شود)

بازی شاه سلیم : یکی از مهمترین داستانهای مورد اجرای خیمه - شب بازی . راجع به جنگها و کارهای شاه سلطان سلیم عثمانی .
بازی شب : یعنی خمر نوشیدن و آتش‌بازی کردن و بیرون آوردن صورتها ، و این را هفت‌بازی گویند .

(فرهنگ آندراج)

- رجوع به « شب بازی » شود.

پرده : آن باشد که مشعبدان ولعبت‌بازان فرو آویزند و از پس آن هر گونه لعب و شعبده بمردم تماشائی نمایند...

(فرهنگ دهخدا)

پرده باز : کنایه از لعبت‌باز و خیال‌باز و بر این قیاس پرده های بازی، و در مصطلحات مترادف شب‌بازی ...

(فرهنگ آندراج)

- یعنی لعبت‌باز و خیال‌باز

(فرهنگ رشیدی)

پرده بازی : مرادف شب‌بازی. از مصطلحات.

(غیاث‌اللغات)

۱ - « ... درون استوانه‌ایش باتصاویر گوناگون تزئین شده و چنان سبك است و بطوری هوادر آن جاری است که بدور شمع داخلی اش می‌گردد ». (رباعیات خیام و شش نامشنامه از کالدرون - ترجمه ادوار فیتز جرالده. لندن ۱۹۳۵ - مؤرین - ص ۴۰ و ۴۱)

- مرادف لعبت بازی و شب بازی.

(فرهنگ دهخدا)

- بازی عروسکها و صورتها نشان دادن از پشت پرده که نام دیگرش خیمه شب بازی است.

(فرهنگ نظام)

پرده‌دار : گاهی مرادف پرده‌باز، صاحب دستگاہ پرده‌بازی.
پهلوان کچل : مشهورترین قهرمان عامیانه خیمه شب بازی، که سر طاس و پوشش‌های گوناگون دارد، موجودی است لوطی منش، زیرک، و گاهی موزی. نام این قهرمان - ازغایت شهرت - گاه به کل خیمه شب بازی اطلاق شده است.

- نام یکی از بازیها (تئاترها)ی متداول ایرانست که مقلدین و بازیگرها در مجلس عروسی و غیره آنرا مینمودند (فوسی). قهرمان خیمه شب بازی...
(فرهنگ دهخدا)

پهلوان کچلک : نوعی از خیمه شب بازی که در آن بساط کوچکتر و عروسکها کمتر بوده‌اند و حمل و نقلش آسانتر بوده است. این دستگاہ را خیمه شب باز خود بدوش می کشیده‌است و دور می گشته و نمایش میداده‌است.
جی جی بی جی (یا جی جی و بی جی) : نامی که در برخی جاهای جنوب (شیراز و اطراف آن) به خیمه شب بازی داده‌اند. ظاهراً وجه تسمیه آن اینست که چون استاد خیمه شب باز صوتکی در دهان می گذارد تا صدای عروسک‌ها را تقلید کند، و صدایش زیر و بیغی میشود، پس این اسم یادآورنده آن صدرا برگزیده‌اند.

چادر : اطاقکی از پارچه که آنرا خیمه هم میگویند.

چادر خیال : خیمه‌ای برای نمایشهای عروسکی، و بیشتر سایه بازی.

خیال : سایه، تصویر سایه‌دار.

خیال بازی: بازی سایه = Théâtre d'ombre, ombre chinoises, shadow plays

خیمه : اطاق ساخته از پارچه که نام دیگرش چادر است.

(فرهنگ نظام)

خیمه شب بازی : ظاهراً در اصل خیمه‌ی شب بازی (ی بجای کسره اضافه آمده) بوده است .

امروزه مرادف لعبت بازی، پرده بازی ، شب بازی ، شب بازی . عمل نمایش دادن عروسکها بر روی نطع درچادر و در برابر جمع .
سایه بازی : رجوع به خیال بازی شود.

شب باز : کسی که در نمایش شب کار کند، و شب بازی نمایش (تئاتر) است .
(فرهنگ نظام)

- معروفست و آن کسی است که شبها بازی کند و صورتهای مختلف از پس پرده بنماید.
(برهان قاطع)

- کسی را گویند که شب بازی کند و صورتهای مختلف از پس پرده بنماید.
(انجمن آرا - آندراج)

شب بازی : دو نوع است : یکی آنکه همیشه‌ها در شب بصورمختلفه بر آیند و مردان را بشکل زنان متشکل سازند. و دوم آنکه خیمه برپا کرده اشکالی منقوشه صفحه چرم و کاغذ در نظر جلوه دهند. غایتش اینکه قسم اول گاهی روزانه هم این عمل کنند، و قسم ثانی مخصوص شب است...
(آندراج)

- در قسمتی از شب بازی لعبت‌ها نشان میدادند . برای بازی تیاتر (Theatre) از قدیم در فارسی دو لفظ بوده: ۱- شب بازی ۲- شبیه در آوردن و شبیه گردانی (۴) ...

(فرهنگ نظام)

شیشه باز : یکی از شخصیت های فرعی خیمه شب بازی. عروسکی است که سرش چوبی است ، و بر آن پروانه‌ای است که وقتی بگردانندش می گردد. این عروسک در صحنه های جشن و شادمانی خیمه شب بازی برای سرگرمی قهرمانان اصلی داستان وارد بازی میشود.

۱ - ظاهراً این شیشه باز متفاوت است با آن بازیگر دیگری که ما می - شناسیم و پیش از اینها در نمایشهای قهوه‌خانه‌ای، و تخت حوضی، و معرکه گیران شرکت داشته است، و شرحش در آن فصل مربوط به معرکه خواهد آمد .

صندوق : جعبه ایست که وسایل خیمه شب بازی (یا بازیهای مشابه) را در آن می نهند تا قابل حمل و نقل شود. در ادبیات فارسی بارها به در آمدن عجایب از صندوق، و زدن پر و سکهها پس از نمایش به صندوق اشاره کرده اند، آنرا صندوق عدم نامیده اند یا بگور و تابوت تشبیه کرده اند.

عروسک پشت پرده : نامی است که در برخی نواحی اصفهان و اطرافش به نمایش عروسکی داده اند.

غولک : يك عروسك فرعی در خیمه شب بازی. دارای سر بزرگ، گردن دراز، و زنگوله. غولک (= غول بیابویی) نیز مانند شیشه باز و چوب باز و فانوس باز در جشنهای پهلوانان اصلی شادی بخشی می کند.

فانوس باز : رقاصه ای است که در جشنهای قهرمانان اصلی داستان های خیمه شب بازی رقص با فانوس انجام میدهد .

فانوس خیال : چراغی بوده است که بر جدار حفاظ آن (فانوس) تصاویری نقش شده بوده ، و چون چراغ روشن میشد ، و فانوس میگردید سایه ها یا تصاویر منقوش متحرك بنظر میرسیدند. احتمالاً ممکن است این تصاویر تنها در خود فانوس دیده میشده، یا بردیواری منعکس میشده است.

Magic Lantern ، Lanterne Magique =

لعبت : لعبت بالضم، بیکر نگاشته یا عام است ...

(منتهی الادب)

لعبت باز : عروسك باز ، عامل خیمه شب بازی

(فرهنگ دهخدا)

- مرادف شب باز عموماً ، و بعضی گویند بگیتی های که امردان را بشکل زنان بر آورده رقاصانند خصوصاً . والاول هو الاصح . حکیم حاذق گیلانی : همچو لعبت بتار لعبت باز

میرزا بیدل :

مشو حیران لعبتهای صورتخانه گردون

به لعبت باز بنگر کز پس چادر کند بازی

(آندراج)

لعبت بازی : مرادف شب بازی، پرده بازی، خیمه شب بازی . عمل

لعبت باز .

مرشد : کسی که درخیمه شب بازی ضرب میزند و آواز میخواند و با عروسکها مکالمه میکند . نقش مرشد بسیار مهمست چون تنظیم نیمی از عامل صوتی و داستانی بازی با اوست . مرشد غیر از استاد خیمه شب باز است .

نطع : سطحی از پارچه پوشیده که عروسکها را زوی آن بحرکت

می آورند. *



تشکر

باینوسیله از آقای یحیی ذکاء و تمام آنکسانی که به یادداشتهای تاریخ نمایش آن لطفرا داشته باشند که انتقاد بنویسند تشکر میکنم، و قلباً خواستارم آنها که به این زمینه توجهی و به حقیقت علاقه‌ای دارند نظرات خود را بی پرده آشکار کنند تا کمکی شود به صاحب فروتن این قلم در پیراستن آنچه به همین زودی کتاب تاریخ نمایش در ایران خواهد شد.

بهرام بیضائی

• - این فصل بیابان رسید، با تشکر از دوست عزیزم فرخ غفاری که فارسی دومتن فرانسه «قره گوز» و «تاتر ایرانی» را برایم تقریر کرد. و آقایان پرویز کردان و ابراهیم مکلاکه اطلاعاتی درباره خیمه شب بازی شیراز در اختیارم گذاشتند